

## مسئولیت مدنی مستودع و شرط تغییر میزان آن در حقوق ایران و فرانسه

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۰۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۱۱)

علیرضا فصیحی زاده<sup>۱</sup>، عباس نیازی<sup>۲</sup>

۱. استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه اصفهان\*

۲. دکترای حقوق خصوصی دانشگاه اصفهان

### چکیده

حسب ماده ۶۱۴ قانون مدنی، مستودع ضامن نیست مگر در صورت تعدی یا تفریط. در حقوق فرانسه نیز برائت مستودع از مسئولیت و ضمان در صورتی است که در حفظ ودیعه مرتکب تقصیر نشود. با این حال مسئله اصلی، مبنای مسئولیت و شرط افزایش یا کاهش آن است. آیا مبنای مسئولیت مستودع قانون است یا قرارداد و آیا می‌توان در ضمن عقد ودیعه این مسئولیت را کاهش داد یا سلب کرد یا افزایش داد؟ از نتایج این تحقیق آن است که مسئولیت مستودع در حقوق ایران غیرقراردادی (قهری) و در حقوق فرانسه قراردادی است. همچنین در حقوق ایران شرط افزایش یا کاهش این مسئولیت با جایز بودن عقد ودیعه منافات ندارد. شرط افزایش با ذات عقد ودیعه نیز منافات نداشته و تنها مخالف اجماع است و شرط کاهش یا سلب مسئولیت حتی در صورت تعدی و تفریط نیز معتبر است. در حقوق فرانسه شرط افزایش یا کاهش این مسئولیت در عقد ودیعه معتبر است.

کلیدواژه‌گان: مستودع، امین، مسئولیت مدنی، ودیعه، تقصیر.

## مقدمه

در اصطلاح حقوقی، معنای عام<sup>۱</sup> «مسئولیت مدنی» عبارت است از هرگونه تعهدی که قانون بر عهده‌ی شخص قرار می‌دهد اعم از اینکه مسئولیت ناشی از یک قرارداد یا غیرقرارداد باشد (بادینی، ۱۳۸۴: ۳۲). این معنا متفاوت از اصطلاح «ضمان قهری» است که در مسئولیت خارج از قرارداد استعمال می‌شود. (تقی زاده و علی هاشمی، ۱۳۹۱: ۳) مبنای مسئولیت مدنی مستودع با معنای فوق مورد مطالعه تطبیقی در حقوق ما قرار نگرفته است. از این رو تحقیق حاضر در مقام تحلیل نوع و مبنای مسئولیت مستودع از نظر قراردادی و قانونی (قهری) بودن است. همچنین، این پژوهش درصدد است تا امکان اشتراط افزایش یا کاهش مسئولیت امین خاص را در حقوق دو کشور ایران و فرانسه بررسی نماید. ماده ۶۰۷ قانون مدنی ایران در معرفی عقد ودیعه بیان می‌نماید: «ودیعه<sup>۲</sup> عقدی است که به موجب آن یک نفر مال خود را به دیگری می‌سپارد برای آن که آن را مجاناً نگاه دارد. ودیعه‌گذار (را) مودع و ودیعه‌گیر را مستودع<sup>۳</sup> یا امین می‌گویند.» البته عنوان امین گاهی در کنار سایر عقود مثل مستأجر در عقد اجاره، عامل در عقد مضاربه یا مرتهن در عقد رهن، به کار گرفته می‌شود.

در قوانین تعریفی کلی از امین ارائه نشده است. (جعفری لنگرودی، ۱/۱۳۵۷: لغت ۲۵۳۷) اما در اصطلاح حقوقی هر جا شخص به اذن مالک یا در اجرای مفاد قرارداد یا حکم قانون یا شرع بر مال دیگری سلطه پیدا کند امین محسوب می‌شود. (بجنوردی، ۲/۱۴۱۹: ۱۳؛ کاتوزیان، ۷/۱۳۸۵: ۷) امین در دو معنا به کار رفته است؛ یک معنای اخص که مستودع است و اثر آن استنباط در حفظ مال است که نیابت گرفتن در نگهداری است (نجفی، بی‌تا/۲۷: ۱۱۰؛ شهید اول، ۱۳۸۶: ۹۵؛ شهید ثانی، ۴/۱۴۲۴: ۲۲۷) و یک معنای اعم شامل تمامی مواردی که شخص متصرف در مال دیگری که تصرفاتش با اذن مالک مال یا قانون یا شرع بنحو غیرضمانی است. (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۸۴: ۶۱؛ فصیحی زاده، ۱۳۷۷: ۱۴۹)

---

۱. معنای خاص مسئولیت مدنی تنها مسئولیت ناشی از الزامات غیرقراردادی است. (النجیب، ۱۹۸۴: ۱۵؛ بهرامی احمدی، ۱۳۹۱: ۷۵)  
مسئولیت غیرقراردادی ناشی از زیانی است که شخصی به دیگری وارد می‌آورد. (وحدتی شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۷۰).

۲. Le dépôt, Deposite

۳. dépositaire

در حقوق فرانسه نیز تقریباً همین تعریف از عقد ودیعه ارائه شده است.<sup>۱</sup> (Ripert et Roblot, 1974-) و در حقوق این کشور نیز اصل بر مجانی بودن عمل مستودع است. (ماده ۱۹۱۷ قانون مدنی فرانسه) و البته ودیعه‌ی معوض باعث افزایش مسئولیت مستودع می‌شود. (ماده ۲-۱۹۲۸) عینی بودن عقد ودیعه (ماده ۱۹۱۹)<sup>۲</sup> (سعادت مصطفوی و تاتاری، ۱۳۹۲: ۱۱۰) و تقسیم‌بندی ودیعه به «ارادی (اختیاری) یا ضروری» در ماده ۱۹۲۰ قانون مدنی فرانسه<sup>۳</sup> از تفاوت‌های مسئولیت مستودع در حقوق فرانسه با حقوق ایران است.

اثر اصلی عقد ودیعه ایجاد وصف امانت برای مستودع است؛ یعنی عقد ودیعه، ید گیرنده‌ی مال ودعی (مستودع) را امانی می‌سازد و وصف ضمانتی بودن که مبتنی بر اصل اولیه و قاعده ضمان ید (علی الید) است را زایل می‌کند. البته این رفع ضمان مقید به عدم تعدی و تفریط (تقصیر) است. حال در این تحقیق سخن در این است که اولاً: مبنای مسئولیت مستودع در صورت تقصیر، قراردادی است یا قهری (قانونی)؟ و ثانیاً: آیا می‌توان با اشتراط در عقد ودیعه این مسئولیت را تغییر یا افزایش یا کاهش داد یا اصل مسئولیت یا زوال آن را شرط کرد؟

## ۱. تفاوت مسئولیت قراردادی و قهری

مسئولیت مدنی که هدف آن جبران خسارت زیان دیده، تسلی خاطر وی، مجازات خطاکار و بازداشتن فاعل و دیگران از ارتکاب مجدد فعل زیان‌بار و ایجاد صلح و ثبات و برقراری اخلاقی خاص در جامعه است، (بادینی، ۱۳۸۴: ۳۲۰؛ ۷: ۱۳۸۴) در معنای عام خود شامل دو بخش مسئولیت قراردادی<sup>۴</sup> و قهری می‌شود. (التقیب، ۱۹۸۴: ۱۵؛ بهرامی احمدی، ۱۳۹۱: ۷۵) تفاوت این دو وجود رابطه‌ی قراردادی میان دو طرف، قبل از ایراد خسارت است. (یزدانیان، ۱۳۷۹: ۳۵) مسئولیت قراردادی، مسئولیتی است که در نتیجه‌ی تخلف از مفاد قرارداد خصوصی پدید می‌آید (ره‌پیک، ۱۳۸۷: ۲۲) و

۱. Article 1915 Le dépôt, en général, est un acte par lequel on reçoit la chose d'autrui, à la charge de la garder et de la restituer en nature

۲. Il n'est parfait que par la tradition réelle ou feinte de la chose déposée

La tradition feinte suffit, quand le dépositaire se trouve déjà nanti, à quelque autre titre, de la chose que l'on consent à lui laisser à titre de dépôt

۳. Le dépôt est volontaire ou nécessaire

۴. برخی معتقدند برای مسئولیت قراردادی بهتر است از واژه‌ی «ضمان» استفاده شود و در الزامات خارج از قرارداد واژه «مسئولیت»

گفته شود تا باهم اشتباه نشوند. (بهرامی احمدی، ۱۳۹۱: ۷۵)

مسئولیت خارج از قرارداد ناشی از نقض قرارداد نیست بلکه ناشی از زیانی است که شخصی به دیگری وارد می‌آورد؛ (وحدتی شبیری، ۱۳۸۸: ۱۷۰) در واقع ناشی از تخلف شخص از تکالیف همگانی مثل امانتداری و محتاط بودن است. (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۷۳) این تفاوت که به نظر برخی منشأ فرق اساسی در مبنا و آثار دو نوع مسئولیت می‌شود، سبب اختلاف میان حقوق‌دانان است. در مسئولیت قراردادی اولاً: بین زیان دیده و متضرر باید عقدی نافذ وجود داشته باشد و ثانیاً: خسارت باید در نتیجه‌ی عدم اجرای قرارداد پدید آمده باشد یا ناشی از نقض آن باشد. (بهرامی احمدی، ۱۳۹۱: ۷۵؛ صفری و پاک‌طینت، ۱۳۸۹: ۲۴۹) همین تفاوت باعث می‌شود دامنه‌ی مسئولیت در مسئولیت قراردادی تابع اراده‌ی دو طرف قرار گیرد و آنان بتوانند گستره‌ی تعهد به جبران خسارت را بر فرض تخلف از محدوده‌ی قانون، گسترده‌تر یا محدودتر سازند. به اعتقاد برخی هرگاه تخلف از قرارداد، در عین حال تجاوز از تکالیف عمومی نیز به حساب آید، زیان دیده در انتخاب هر یک از این دو مبنا آزاد است؛ مشروط بر اینکه قرارداد بیهوده نشود و مفاد تراضی از اثر نیفتد. (کاتوزیان، ۱۳۸۷/الف: ۱۹) اما طبق قاعده‌ی عدم جمع مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی (Bell & other, 1998: 331) که ریشه‌ی آن به حقوق کلیسا برمی‌گردد، قربانی اجرای بد یک قرارداد در برابر طرف قراردادی خود نمی‌تواند دعوایش را بر مبنای قواعد مسئولیت مدنی مطرح کند. هدف اصلی این قاعده آن است که مانع از آن شود که یکی از متعاقدین از قانون قراردادی به‌ویژه شروطی که ضمن قرارداد پذیرفته است، با توسل به مسئولیت مدنی فرار کند (Moitry, 1998: 3).

نظریات جدیدتر، این تفاوت را انکار و سایر تفاوت‌ها را امور فرعی قلمداد می‌کنند و به یگانگی این دو تعهد نظر دارند. (Mazeaud, 1995, T2: 340-390؛ وحدتی شبیری، ۱۳۸۸: ۱۸۳) در مقابل، در فقه امامیه از ابتدا این تفکیک میان مسئولیت قهری و قراردادی پذیرفته نشده بود؛ برخی از حقوق‌دانان نیز این نظر را برگزیده‌اند. (حسینی مراغی، ۲/۱۴۱۸: ۴۱۵-۴۶۶؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۵۷: ۳۷۵؛ وحدتی شبیری، ۱۳۸۸: ۱۸۶-۱۸۹) در تدوین «لایحه‌ی مسئولیت مدنی فرانسه ۲۰۰۵» نیز برخی از حقوق‌دانان تأکید داشتند که عدم جمع دو مسئولیت در مورد تقصیر عمدی یکی از متعاقدین یا تدلیس کنار گذاشته شود و زیان دیده بتواند از نظام مسئولیتی که به نفع اوست، استفاده کند. (Terré, 2002: 836) نهایتاً این امتیاز، در لایحه‌ی «در مورد قربانیان خسارت‌های بدنی و معنوی» (لطمه به شخصیت) پذیرفته شد. (انصاری، ۱۳۸۸: ۸۶)

برخی، قواعد مسئولیت قهری را راجع به نظم عمومی دانسته‌اند و معتقدند وجود رابطه‌ی قراردادی در یک مورد خاص نباید زیان‌دیده را از امکان استناد به آن محروم نماید. پس اصولاً خواهان به دلخواه خود می‌تواند مبنای دعوایش را تعیین نماید. اما، در مواردی انتخاب ممنوع است و آن وقتی است که استناد به مسئولیت قهری شروط قراردادی یا قانونی مربوط به مسئولیت قراردادی را دگرگون سازد و حدودی را که طرفین یا قانون برای آن مقرر داشته‌اند، تغییر دهد؛ برای مثال، طبق ماده ۶۳۱ قانون مدنی، هر کس نسبت به مالی امین محسوب شود، تنها در صورتی مسئول تلف آن است که در حفاظت از مال کوتاهی کرده و مرتکب تعدی و تفریط شده باشد. اگر در این قبیل موارد صاحب مال بتواند به استناد قاعده اتلاف که نیازی به اثبات تقصیر ندارد و صرف وجود رابطه‌ی سببیت کافی است، طرح دعوا کند، حکم ماده ۶۳۱ قانون مدنی بیهوده می‌شود. فرض کنید کسی باربری را اجیر کرده است تا با چرخ‌دستی کالایش را به مقصد برساند، اما در راه کالا از چرخ‌دستی سقوط می‌کند و تلف می‌شود. ثابت می‌گردد که باربر در تلف کردن مال مرتکب تعدی و تفریط نشده است؛ لذا مسئولیت قراردادی ندارد. اما، اگر صاحب مال بتواند به قاعده اتلاف که منوط به اثبات تقصیر نیست، استناد کند، این امر به معنی بیهوده شدن حکم ماده ۶۳۱ قانون مدنی است. (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۳۶-۱۳۷)

البته نباید از خاطر برد که عدم ضمان امین ناظر به تلف است و نه اتلاف. یکی از نمودهای عدم تفکیک ضمان قهری از ضمان قراردادی همین مثال است که اگر امین کالا را اتلاف کند، ضامن اتلاف است ولو تعدی و تفریط نکرده باشد. اما اگر کالا تلف شود، ضامن نیست مگر در صورت تقصیر. (برای نمونه رجوع شود به بجنوردی، القواعد الفقهیه، ۱۴۱۹/۲: ۹)

برخی فقها عدم اجرای تعهد را موجب ضمان ندانسته‌اند؛ بلکه آن را موجب انفساخ عقد یا پیدایش حق فسخ با بقای حق اجبار برای متعهدله یا با زوال این حق شمرده‌اند. در نهایت، با یکی از موجبات ضمان، مانند تعدی، تفریط و غیره توأم می‌گردد. بدیهی است در این صورت علاوه بر مسئولیت‌های عقدی، متعهد مسئول خسارات وارده بر متعهد نیز می‌باشد. (گرجی، ۱۳۶۵: ۱/۴۴) به همین جهت به عقیده برخی، در فقه و حقوق ما بحث از جدایی مسئولیت قراردادی و غیرقراردادی بی حاصل است. (الشریف، ۱۳۹۲: ۶۴۹) و با توجه به تحولات اجتماعی توصیف مسئولیت و جای دادن آن در رژیم قراردادی یا قهری ممکن نیست و یا حداقل مورد اختلاف است. پس نباید این

تقسیم‌بندی مانع رسیدگی به دعاوی جبران خسارت، از جانب زیان دیدگان باشد. (تقی زاده و علی هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۴)

## ۲. مبنای مسئولیت مستودع در حقوق ایران

در فقه امامیه ضمن تصریح به عدم ضمان مستودع با عباراتی مشابه (الودیعه امانه لا یضمنها المستودع الا مع التفریط او العدوان) مسئول نبودن مستودع نسبت به تلف و نقص مال سپرده شده، به عدم تقصیر (عدم ارتکاب تعدی و تفریط) مستودع مقید شده است. (طباطبایی، بی تا: ۶۲۱؛ حر عاملی، بی تا/۶: ۲۸۸؛ فاضل هندی، ۱۰/۱۴۳۱: ۳۳۰؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷/ق: ۴/۱۳۴). این امر مفاد قاعده‌ی «استیمان» است (حسینی مراغی، ۲/۱۴۱۸: ۴۸۳-۴۸۴؛ محمدی، ۱۳۷۴: ۷۲؛ محقق داماد، ۱۳۹۰: ۹۱) و در قانون مدنی به کرات استفاده شده است.<sup>۱</sup> حال در فرض تعدی و تفریط (تقصیر) مبنای مسئولیت مستودع چیست؟

برخی از حقوق دانان، ودیعه را عقدی عهدی می‌دانند و مسئولیت مستودع را قراردادی و ناشی از تعهد به نگهداری می‌شمارند. (کاتوزیان، ۴/۱۳۸۵: ۸) به نظر می‌رسد، ماهیت این عقد یعنی «استتابه» و نیابت دادن، چیزی جز اعطای اختیار نیست و «اختیار» با «تعهد» سازگاری ندارد. بنابراین، نمی‌توان ودیعه را در زمره‌ی عقود عهدی آورد. توضیح آن که، منظور از «عهد» و «تعهد» در اینجا با تفسیر روایی «عقد» در «اوفوا بالعقود» به «عهد» (حر عاملی، ۱۳۹۱/ق: ۱۶/۲۰۶) یا تفسیر فقهی آن به «عهد موثق مشدد» (مقدس اردبیلی، بی تا: ۴۶۲) و نیز تعریف عقد به «عهد مطلق» (انصاری، ۳/۱۴۱۵: ۵۶)، «ربط یکی از دو التزام به دیگری» (اصفهانی، ۱/۱۴۱۸: ۲۸۴) یا «دو تعهد نفسانی» (حکیم، ۱۲/۱۴۱۶: ۴) منافاتی ندارد؛ زیرا، «تعهد» در لسان فقهی و حتی در قانون مدنی معانی و کاربردهای متعددی از جمله سه معنای تعهد مسببی، تعهد سببی و تکلیف قانونی و شرعی دارد. منظور از «تعهد سببی» همان تعهد سازنده و موجد عقد است؛ تعهدی که در همه عقود اعم از تملیکی و عهدی و اذنی وجود دارد و چیزی جز التزام طرفین و قرار معاملی ایشان برای ایجاد ماهیت عقد نیست. چنانکه عقد بیع چون سایر عقود تملیکی و عهدی و اذنی از دو التزام و تعهد ایجاد می‌شود و بایع ملتزم می‌گردد مبیع در قبال ثمن به ملکیت خریدار درآید و خریدار نیز به این مفاد به نحو قبولی ملتزم می‌گردد یا در عقد وکالت موکل ملتزم می‌شود که وکیل نایبش باشد و وکیل هم قبول می‌کند و با این دو التزام عقد وکالت تشکیل می‌شود. این دو تعهد موجد عقدند نه اثر عقد؛ در حالی که «تعهد» مصطلح که در لسان حقوقی واژه

۱. ن.ک به مواد: ۴۸، ۵۰، ۲۷۸، ۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۳، ۵۱۶، ۵۵۶، ۵۷۷، ۵۸۴، ۶۱۴، ۶۳۱، ۶۴۰، ۸۵۸ قانون مدنی

«تعهد» منصرف به آن است، اثر و نتیجه عقد است و به تبع عقد حادث می‌شود؛ نه آن که موجد عقد یا مسبب و محدث عقد باشد. همچنین، اذنی بودن عقد ودیعه نیز بر تعهدآور نبودن آن، البته به معنای مصطلح تعهد یعنی اثر و معلول عقد نه منشأ عقد، دلالت دارد. منظور از اذنی بودن آن است که قوام عقد به تملیک یا تعهد نیست (همچون عقود تملیکی و عهده‌ی) بلکه اثر آن مأذونیت است که متعلق مأذونیت ممکن است حفاظت از مال باشد (چون عقد ودیعه)؛ یا استیفای از آن (چون عاریه)؛ یا اقدام در مورد امور مالی یا غیرمالی شخص (مانند وکالت). اما در هر صورت در استنباط هم مأذونیت مستتر است و اگر ودیعه در زمره‌ی عقود اذنی دانسته نشود، به ناچار با توجه به سه‌گانه بودن تقسیم عقد در فقه (برخلاف تقسیم دوگانه در لسان حقوقی به تملیکی و عهده‌ی) باید آن را در زمره عقود تملیکی یا عهده‌ی دانست که با مبانی و اصول حقوقی و فقهی سازگاری ندارد. از جمله این مبانی جواز عقد وکالت است. اگر وکالت موجد ملکیت یا حق یا تعهدی یا هر امر الزام‌آوری چون زوجیت برای یکی از طرفین بود، باید عقدی لازم محسوب می‌شد و نمی‌باید با فسخ یکطرفه منحل می‌شد. زیرا اموری چون «ملکیت» یا «حق» و «تعهد» طرفینی هستند و یکطرفه نمی‌توان حق یا ملکیت دیگری را از بین برد یا تعهد خود را به دیگری زائل ساخت و بدون رضایت و اراده‌ی دیگری حق و ملکیتش را ساقط کرد. بنابراین، جواز عقد ودیعه نیز بر تعهدآور نبودن و مسئولیت‌زا نبودن آن دلالت دارد. آنچه گفته شد، به عقد ودیعه اختصاص ندارد و برخی از حقوق دانان (فصیحی‌زاده، ۱۳۹۳: ۸۴۶) در عقد وکالت به آن اعتقاد دارند.

البته، ودیعه با ایجاد وصف امانت، ضمان ناشی از قاعده‌ی علی‌الید را زائل می‌سازد، اما این زوال مقید به حفظ و مراقبت از مال است یا به بیان دیگر مقید به عدم ارتکاب تعدی و تفریط یا جامع آن «تقصیر» است. نتیجه‌ی این حرف آن است که امین موظف و متعهد به حفظ مال است و این تعهد از امر خارجی و مادی یعنی «استیلا» بر مال امانی نشأت می‌گیرد نه عقد. ضمانت اجرای این تعهد چیزی جز زوال آن وصف امانت و اعاده‌ی ضمان ید و مسئولیت ناشی از هر گونه نقص و تلف مال نیست. شاید منظور فقیهان از ملازم بودن «اخذ ودیعه» با «وجوب حفظ آن» (امام خمینی، ۱۳۷۵: ۴۰) یا (۵۳۳) یا ملازمه «ایداع» با «تسلیط بر حفظ» و تنافی آن با استیفا و اتلاف (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۵: ۴۰) یا حکومت اجماع محصل بر مقدمه بودن حفظ امانت برای وجوب ادا و رد آن به صاحبش که با جواز عقد ودیعه تنافی ندارد (نجفی، ۲۷/۱۴۰۴: ۱۰۱) و حکومت اجماع بر عدم شمول ضمان و مسئولیت مستودع نسبت به «تلف» (فاضل لنگرانی، ۱/۱۴۱۶: ۲۷؛ حسینی مراغی، ۲/۱۴۱۸: ۴۴۶) همین باشد.

البته عملکرد «تقصیر» در حقوق اسلامی و قانون مدنی ایران با حقوق اروپا متفاوت است. آنچه از تقصیر در حقوق اروپا مقصود و منظور است مبنای مسئولیت مدنی است؛ (بهرامی احمدی، ۱۳۹۱: ۵۸؛ همو، ۱۳۹۰: ۶۰) به این معنا که هیچ کس نه در مسئولیت قراردادی و نه در مسئولیت خارج از قرارداد جز در صورت تقصیر ضمان و مسئولیت جبران ضرری را که از سوی او به دیگری وارد آمده ندارد و تنها در صورت ارتکاب تقصیر است که مسئولیت مدنی معنی پیدا می‌کند و مسئولیت جبران ضرر مطرح می‌شود. در حالی که در حقوق اسلامی اصل «نفی ضرر» است و جز رابطه‌ی سببیت، عامل دیگری مؤثر نیست. آنچه به عنوان نقش «تقصیر» در حقوق اسلامی مطرح نظر است این است که در صورت وجود امانت، تقصیر، مانع «استیمان» را بر طرف می‌کند، ید امانی تبدیل به ید ضمانی می‌شود و در صورتی که امینی مرتکب تقصیر شود طبق قاعده‌ی علی‌الید ضامن خواهد بود.

در حقوق اسلام مصادیق تقصیر امین عبارتند از: انتفاع از مال امانی، سپردن آن به دیگری، کوتاهی در دفع خطر از آن، تغییر دادن ترتیبات حفاظتی مالک، ضایع کردن آن و انکار مالکیت مالک توسط امین. (علامه حلی، ۲/۱۴۱۳: ۱۸۴ به بعد) مستودع به مجرد تقصیر، ضامن مال ودعی است؛ بنابراین مسئولیت مدنی امین مبتنی بر تقصیر است. (شعبانی و فخعلی، ۱۳۹۰: ۱۲۷) از این زمان به بعد مسئولیت او مطلق خواهد بود (مواد ۳۱۰ تا ۳۱۵ قانون مدنی ایران).

بر خلاف تصور ابتدایی، مسئولیت امین ناشی از تعدی و تفریط نیست بلکه عدم ضمان او ناشی از امانت است و تعدی و تفریط، صفت امانت را زایل می‌کند؛ در نتیجه ضمان ناشی از ید تابع قواعد عمومی ضمان در حقوق اسلامی است (حسینی مراغی، ۲/۱۴۱۸: ۴۴۶) که همانا مسئولیت بدون تقصیر است. به همین دلیل است که قاعده‌ی استیمان را مسقط ضمان دانسته‌اند؛ یعنی عدم ضمان امین خلاف اصل کلی است. (بهرامی احمدی، ۱۳۹۱: ۱۵۹)

### ۳. مبنای مسئولیت مستودع در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه نیز مستودع باید در نگهداری اموال ودعی، همان توجهاتی را مبذول دارد که در نگهداری اموال خود می‌کند. (ماده ۱۹۲۷ قانون مدنی فرانسه) بنابراین، تقصیری که او مسئول آن است، به صورت محسوس و عینی یعنی به نسبت خود شخص مستودع ارزیابی می‌شود و نه با توجه به یک شخص محتاط (پدر خوب خانواده)؛<sup>۱</sup> مستودع نیز در صورتی که سابقه‌ی ارتکاب این تقصیر

۱. Le bon pere de famille= bonus paterfamilias



را در اداره‌ی امور خاص خود داشته باشد، حتی ملتزم به سنگین‌ترین تقصیرات خود نمی‌گردد (Viney, 2009: 9).

لازم به ذکر است که هر انسانی، حتی پدر خوب خانواده هم ممکن است دچار اشتباه<sup>۱</sup> شود. اشتباه، تقصیر<sup>۲</sup> نیست و با آن کاملاً متفاوت است. تقصیر به این معنی است که از انسان عملی سرزده شود که از انسانی معقول و متعارف، و وظیفه‌شناس و حساس نسبت به همنوعانش، در چنان شرایط و اوضاع و احوالی، آن عمل سر نمی‌زد. اما اشتباه را حتی پدر خوب خانواده هم ممکن است مرتکب شود. (بادینی، ۱۳۸۹: ۹۵)

#### ۴. امکان اشتراط افزایش یا کاهش مسئولیت مستودع

بحث اول این است که شرط افزایش یا کاهش مسئولیت با قرار گرفتن در ضمن عقد جایز و دیعه، آیا لازم الوفاست یا حتماً باید در ضمن عقد لازم قرار گیرد؟ نظر مشهور فقها این است که شرط در لزوم و جواز تابع عقد است و شرط ضمن عقد جایز، نمی‌تواند الزام‌آور باشد (عاملی، ۱۳۸۱: ۱۴۱) اما می‌دانیم که با زوال عقد، امکان بقاء برای شرط وجود ندارد و شرط، صرفاً در حیثی وجود عقد، لازم الوفاء است. شمول «المؤمنون عند شروطهم» به شرط مورد نظر امری مسلم است؛ چون به سبب وقوع آن در ضمن عقدی دیگر، مفهوم و حقیقت شرط بر آن صدق می‌کند. (ره پیک، ۱۳۸۷/الف: ۷۱؛ عاملی، ۱۳۸۱: ۱۵۶) در واقع مالک با این شرط در مقام اعطای وصف امانت به گیرنده یا سلب این وصف از گیرنده بر فرض اقتضای اطلاق عقد است که مقتضای تسلیط، مالکیت بر مال خود است. بر همین اساس هم ماده ۶۴۲ قانون مدنی در عقد عاریه که عقدی جایز است، شرط ضمان را معتبر و موجب مسئولیت مستعیر دانسته است.

#### ۵. شرط افزایش مسئولیت مستودع در حقوق ایران

سؤالی که در این بخش مطرح می‌شود آن است که آیا می‌توان در عقد و دیعه شرط کرد که مستودع حتی در صورت فقدان تقصیر ضامن باشد؟

---

۱. Error

۲. Fault

مشهور فقها معتقدند اگر بر امین شرط مسئولیتی به غیر از تعدی و تفریط کنیم، شرط و عقد باطل است. (علامه حلی، ۲/۱۴۱۳: ۳۰۴؛ محقق حلی، ۲/۱۴۰۸: ۱۴۳) چرا که شرط ضمان امین، شرطی خلاف مقتضای ذات عقد است. (محقق کرکی، ۷/۱۴۱۴: ۲۵۸؛ شهید ثانی، ۴/۱۴۲۴: ۳۳۱) در مقابل، گفته می‌شود وصف امانی داشتن ید گیرنده در عقود امانی، اثر ذاتی آن عقود نیست و اثر عقد ودیعه نیابت در نگهداری مال دیگری است. (یزدی، ۱۳۷۶: ۱۱۵؛ امام خمینی، ۱۴۱۵: ۱۶۲) امانی بودن نیز از آثار اطلاق عقد است نه اثر ذات آن که شرط خلاف آن موجب بطلان عقد شود. (کاتوزیان، ۴/۱۳۸۵: ۶۱؛ باریکلو، ۱۳۸۴: ۶۱) به نظر می‌رسد فقیهان با عبارت «استنابه در حفظ» و قانون مدنی با عبارت «سپردن برای نگهداری» (ماده ۶۰۷) در مقام تعریف عقد ودیعه، عناصر ذاتی آن را بیان نموده‌اند. اصل در تعریف هم آن است که حدی است و به بیان ذاتیات ماهیت می‌پردازد. ذات ودیعه مقتضی نیابت در نگهداری است و در این عقد، مودع به مستودع اختیار می‌دهد که از مال وی نگهداری و حفاظت کند؛ اینکه در صورت نقص یا تلف، گیرنده ضامن است یا غیر، ضامن از حدود تعریف ذاتی عقد ودیعه خارج است. البته ماده ۶۱۴ قانون مدنی با بیان ضامن نبودن گیرنده در صورت عدم تعدی و تفریط به بیان اثر اصلی عقد ودیعه یعنی ایجاد وصف امانت برای گیرنده اشاره نموده که نافی اعتبار شرط بر خلاف آن نیست.

عده‌ای دیگر معتقدند، شرط ضمان امین باطل است و به موجب آن تعهدی برای مشروط‌علیه و حقی نیز برای مشروط‌له ایجاد نمی‌شود ولی بر عقد اصلی، که شرط ضمن آن شده، تأثیر نمی‌گذارد. (نجفی، ۲۷/۱۴۰۴: ۲۱۶) زیرا این شرط مخالف شرع یعنی مخالف کتاب و سنت است. (مقدس اردبیلی، ۱۰/۱۴۱۲: ۶۹) در پاسخ به این استدلال، باید گفت که مقصود از شرط مخالف کتاب و سنت، آن شرطی است که منجر به تحلیل حرام یا تحریم حلال گردد. در حالی که در شرط ضمان امین نه حلالی حرام شده و نه حرامی مباح و حلال گردیده است. (باقری و بهمن پوری، ۱۳۸۷: ۴۷) دلیل دیگری که این دسته آورده‌اند آن است که وقتی تصرفات مستودع به منزله‌ی تصرفات مالک محسوب شود، شرط ضمان با این نوع تصرفات منافات دارد چون حقیقت استنابه با ضمان تنافی دارد و صحت چنین شرطی به این منتهی می‌شود که مالک نسبت به مال خود ضامن باشد و این غیر معقول است. در عاریه شرط ضمان امین نافذ است؛ زیرا مشروعیت تصرف مستعیر ناشی از مالکیت او و یا نیابت از مالک نیست بلکه ناشی از اذن صرف مالک است و این اذن اقتضای ضمان ندارد بلکه اطلاق آن ظاهر در عدم ضمان است و شرط خلاف اطلاق اذن نافذ است. (باریکلو، ۱۳۸۴: ۶۷؛ لطفی، ۱۳۷۹: ۱۸۵)

جواب این اشکال آن است که هر چند امین به نیابت از مالک در مال تصرف می کند ولی چون شخصیتی مستقل دارد، روابط آن دو تابع قرارداد آنان است. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۴۰). بنابراین، شرط ضمان مستودع معتبر است، مگر آن که گفته شود ودیعه با سایر امانات چون عاریه و اجاره تفاوت دارد؛ چنانکه صاحب جواهر گفته اند، (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۷؛ ۲۱۷) معتبر نبودن شرط در عقد ودیعه از مذاق شرع معلوم باشد.

اصولاً شرط ضمان امین ناظر بر حالت عادی است و از موارد دخالت قوهی قاهره منصرف است و اگر مشروط علیه ثابت نماید که تلف از ناحیهی حوادث قهری است، نسبت به جبران چنین خسارتی ضامن نخواهد بود. مگر اینکه مشروط له ثابت نماید که مراد طرفین از شرط، موارد قوهی قاهره را نیز شامل می شود که در این فرض، در صورت معقول و جایز بودن شرط، مشروط علیه ضامن جبران آن نیز می باشد.

#### ۶. شرط افزایش مسئولیت مستودع در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه مسئولیت مستودع در چهار صورت افزایش می یابد: ۱. در صورتی که خود مستودع دریافت ودیعه را ایجاب کرده باشد. ۲. اگر مستودع برای نگهداری ودیعه عوضی را طلب کرده باشد. ۳<sup>۱</sup>. در صورتی که ودیعه صرفاً به نفع مستودع انجام گرفته باشد. ۴. در صورتی که صراحتاً توافق شده باشد که مستودع در مورد هر گونه تقصیری مسئول است. (ماده ۱۹۲۸ قانون مدنی فرانسه) در سه مورد اول حقوق ما ساکت است و به نظر نمی رسد باعث افزایش مسئولیت مستودع شود. مورد آخر نیز در بحث بعدی شرح داده خواهد شد. هر چند در حقوق ایران نیز، برخی ودیعهی معوض را اجاره‌ای اشخاص دانسته اند (رأفتی و براری چناری، ۱۳۹۰: ۶۳) که تأثیری در امانی بودن ید (اجیر خاص) و مسئولیت نخواهد داشت. در حقوق فرانسه ودیعهی با دستمزد را عقد دو جانبه می دانند؛ به این ترتیب که عوض در برابر تعهد به حفاظت قرار می گیرد و هر کدام علت دیگری می شود. (Mazeaud, 1995, T. 3, N. 1493) عنوان شده است که صرف نوشتن کاهش یا افزایش مسئولیت در قبض رسید یا تابلوی نصب شده در محل کافی نیست بلکه باید بر سر این امر توافق شده باشد.

(Mazeaud & de Juglar, 1980, N. 1500)

۱. در بند دوم ماده ۷۲۰ قانون مدنی مصر اجرت برای مستودع را باعث افزایش مسئولیت دانسته است: ... إذا كانت الوديعة بأجر فيجب أن يبذل في حفظ الوديعة عناية الرجل المعتاد.

در مسئولیت افزایش یافته در حقوق فرانسه، دیگر تقصیر مفهوم شخصی ندارد، بلکه به معنای تجاوز از رفتار انسانی معقول و متعارف یا پدر خوب خانواده است. در این مفهوم، احراز تقصیر آسان‌تر است؛ زیرا معیار نوعی جایگزین معیار شخصی گردیده است. الگو در حقوق فرانسه «پدر خوب خانواده»، در حقوق مصر فرد متعارف (رجل معتاد) و در حقوق ایران تجاوز از رفتار متعارف و معقول است. (بادینی، ۱۳۸۴: ۱۷۵ به بعد؛ همو، ۱۳۸۹: ۷۴)

تلف یا آسیب توسط قوه قاهره، مستودع را از مسئولیت معاف می‌کند مگر آنکه رد مال ودیعه مطالبه شود و امین از رد آن امتناع کند (ماده ۶۱۶ قانون مدنی ایران؛ ماده ۱۹۲۹ قانون مدنی فرانسه؛ ماده ۷۲۲ قانون مدنی مصر)<sup>۱</sup> یا مستودع توسط شرط صریحی در قرارداد، متعهد به حوادث اتفاقی باشد. با این وجود بر طبق یک نظر، نمی‌توان شرط کرد که مستودع ملزم به قوه قاهره است، مگر در مواردی که در آن ودیعه صرفاً به نفع مودع انجام گرفته باشد یا اینکه در صورتی که موضوع ودیعه اموال مثلی باشد؛ به عنوان مثال مبلغ پولی که نزد یک بانکدار سپرده شده است. اگر این شخص بتواند در هر لحظه و به خواست خود آن مال را مورد استفاده قرار دهد، قوه قاهره بر عهده‌ی بانکدار است. (رضایی، ۱۳۸۴)

در فرانسه نیز بند ۲ ماده ۱۹۳۲ قانون مدنی در مورد ودیعه‌ی پول این‌گونه بیان می‌کند: «بدین ترتیب، ودیعه‌ی مبالغ پولی باید به همان نوعی که انجام گرفته است برگردانده شود؛ چه در صورت افزایش و چه در صورت کاهش ارزش آن‌ها». چنانکه در قانون مدنی مصر در صورت اذن به استعمال آن، عقد قرض اعتباری شکل گرفته است. (ماده ۷۲۶ قانون مدنی مصر)<sup>۲</sup> بنابراین به نظر می‌رسد در چنین وضعیتی مستودع ملزم به استرداد مثل پول است. اما در حقوق ایران گفته‌اند باید عین مال ودعی رد شود (سعادت مصطفوی و تاتاری، ۱۳۹۲: ۱۱۲).

---

۱. البته در رد ودیعه محل ابداع محل استرداد خواهد بود و مثلاً ن می‌توان ودیعه سپرده شده در کرمانشاه را در اصفهان از مستودع خواست. (کفایی، ۱۳۱۷: ۲۹)

۲. إذا كانت الوديعة مبلغاً من النقود أو أي شيء آخر مما يهلك بالاستعمال، وكان المودع عنده مأذوناً له في استعمال أعتبر العقد قرضاً

## ۷. شرط کاهش مسئولیت مستودع در حقوق ایران

شرط کاهش مسئولیت بدین معناست که طرفین به طور قاطع میزان خسارت را معین می‌کنند یا اصلاً مسئولیت مستودع را از بین می‌برند. در منابع فقهی شرط عدم مسئولیت تحت عنوان «شرط عدم ضمان یا اشتراط عدم ضمان» (مقدس اردبیلی، ۱۰/۱۴۱۲: ۳۷۴) آمده است. در حقوق ایران، شرط عدم مسئولیت به توافق بین مسئول و زیان‌دیده‌ی احتمالی آینده تعبیر شده است که به موجب آن مسئول از پرداخت خسارت معاف می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۷۱۸؛ افشار، ۱۳۵۵: ۲۱۹)

این شرط نیز مخالفینی دارد که ادله‌ی ایشان عبارت است از اینکه با توجه به اینکه قانون و شرع مسئولیت مستودع را در صورت تعدی و تفریط قطعی می‌داند، لذا این شرط خلاف قانون امری است و شرط خلاف قاعده‌ی امری باطل است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۴۲۹)

دلیل بعدی، اسقاط مالیم یجب است؛ یعنی اسقاط و ابراء چیزی که هنوز واجب نشده است. از آنجایی که ضمان امین تا قبل از تعدی و تفریط وجود ندارد (ذمه امین مشغول نیست)، بنابراین نمی‌تواند اسقاط شود. (امامی، ۲/۱۳۶۶: ۱۷۲) به بیان دیگر ابتدا باید مال با تعدی و تفریط امین تلف یا ناقص شود و سپس مالک، ذمه‌ی امین را بری کند. این نظر مشهور فقها است؛ هرچند برخی از فقها (یزدی، ۲/۱۴۱۸: ۱۱۶) و حقوق‌دانان (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳: ۸۶) اسقاط مالیم یجب را صحیح می‌دانند.

نظر دیگر این است که باید بین اقدامات عمدی و شبه عمدی تفکیک قائل شد: اولاً شرط عدم ضمان در اقدامات عمدی، بدین صورت است که اگر شرط شود که حتی در صورت اقدامات عمدی امین، وی مبرا باشد، این شرط باطل است؛ (ره‌پیک، ۱۳۸۷/الف: ۷۶؛ کاتوزیان، ۴/۱۳۸۵: ۶۲) زیرا کسی که این شرط را می‌پذیرد سفیه است و نمی‌تواند نفع و ضرر خویش را تشخیص دهد؛ بنابراین چنین عقدی باطل است. حتی اگر عقد را صحیح بدانیم، شرط باطل است؛ زیرا شرط خلاف قاعده‌ی امری امانت است و نظم عمومی را برهم می‌زند. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۳۵۲، ره‌پیک، ۱۳۸۷/الف: ۷۶)

ثانیاً: شرط عدم ضمان در اقدامات غیر عمدی (بی‌مبالاتی و سهل‌انگاری)؛ اگر اقدامات غیر عمدی یا شبه عمدی شرط شود که عرف آن را بی‌دقتی یا بی‌مبالاتی بدانند، شرط صحیح است. مثلاً امین بگوید ماشین را اینجا می‌گذارم و سرم شلوغ است و ممکن است بچه با سنگ شیشه‌اش را بشکند، اگر شکسته شد، به من مربوط نمی‌باشد. این نوع تبری جستن صحیح است (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۷۸).

#### ۸. شرط کاهش مسئولیت مستودع در حقوق فرانسه

در فرانسه نیز شرط عدم مسئولیت شرطی است که در آن متعهدله ذمه‌ی متعهد را از خسارت احتمالی آینده، از قبل بری می‌کند و او را از مسئولیت معاف می‌سازد. این شرط همانند سایر شروط قراردادی مطابق دو اصل آزادی قراردادی و نیروی الزام‌آوری تعهدات قراردادی طرفین، قابل پیش بینی در قرارداد است و طرفین می‌توانند مطابق مواد ۱۱۰۱ و ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه شروط مورد نظر خود را در قرارداد بگنجانند. (نکوئی، ۱۳۹۰: ۱۸) بنابراین در حقوق فرانسه نیز شرط کاهش مسئولیت پذیرفته شده است مگر در مواردی که محدودیتی در این راه باشد؛ چنانکه در دو مورد کلی یعنی تقصیر عمدی و تقصیر سنگین، این شرط محدود شده است.

#### نتیجه

مسئولیت مستودع در حقوق ایران غیرقراردادی (قهری) و به حکم قانون است؛ زیرا اصل اولیه در صورت استیلا بر مال دیگری، ضمان ید است و امانت از آن استثنا شده است. با تحقق ودیعه، ید ضمانی به امانی مبدل می‌گردد و تا زمانی که مرتکب تقصیر (تعدی و تفریط) نشده، ضمان مرتفع است. با حصول تعدی و تفریط، ید به همان اصل اولیه و قاعده‌ی ابتدایی ضمان برمی‌گردد. در حقوق فرانسه این مسئولیت، از عقد ودیعه و شرط ضمن آن نشأت می‌گیرد و قراردادی است. همچنین در حقوق ایران شرط افزایش یا کاهش این مسئولیت با جایز بودن عقد ودیعه منافات ندارد و صرفاً موجب ایجاد وصف امانت یا زوال آن می‌گردد؛ نه اینکه تعهدآور باشد و با جواز عقد متنافی باشد. بویژه آن که قانون مدنی در تعریف ودیعه و بیان اوصاف ذاتی آن، امانی بودن ید مستودع را ذاتی عقد ندانسته است. در فقه نیز شرط افزایش مسئولیت با ذات عقد ودیعه منافات نداشته و صرفاً مخالف اجماع است؛ آن هم در صورتی نامعتبر است که اجماع مدرکی نبوده و کاشف از قول معصوم باشد. شرط کاهش یا سلب مسئولیت حتی در صورت تعدی و تفریط نیز معتبر است. در حقوق فرانسه شرط افزایش یا کاهش این مسئولیت در عقد ودیعه معتبر است.

## منابع

### فارسی

- آشتیانی، محمد حسن (۱۴۰۴)، **کتاب القضا**، قم، منشورات دارالهجره.
- افشار، حسن (۱۳۵۵)، **کلیات حقوق تطبیقی**، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- الشریف، محمد مهدی (۱۳۹۲)، **منطق حقوق**، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- امامی، سید حسن، (۱۳۶۶)، **حقوق مدنی**، ج ۲، چاپ چهاردهم، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
- انصاری، مهدی، (۱۳۸۸)، «بررسی نوآوری‌های لایحه مسئولیت مدنی فرانسه ۲۰۰۵»، **فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی**، معاونت آموزش حقوق شهروندی ریاست جمهوری، شماره ۱۹ و ۲۰.
- بادی‌نی، حسن، (۱۳۸۴)، **فلسفه مسئولیت مدنی**، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بادی‌نی، حسن، (۱۳۸۹)، «نگرشی انتقادی به مفهوم انسان معقول و متعارف برای تشخیص مسئول در مسئولیت مدنی»، **فصلنامه حقوق**، بهار، دوره ۱، شماره ۴۰.
- باریکلو، علیرضا، (۱۳۸۴)، «شرط ضمان امین در فقه امامیه»، **مطالعات اسلامی**، شماره ۶۷، بهار.
- باقری، احمد، بهمن پوری، عبدالله، (۱۳۸۷)، «نقد و بررسی ادله‌ی بطلان شرط ضمان مستأجر»، **فصلنامه حقوق**، دوره ۳۸، شماره ۳.
- بهرامی احمدی، حمید، (۱۳۹۱)، **ضمان قهری مسئولیت مدنی**، تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع).
- تقی زاده، ابراهیم، علی هاشمی، سید احمد (۱۳۹۱)، **مسئولیت مدنی (ضمان قهری)**، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۰)، **وسیط در ترمینولوژی حقوق**، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶)، **الفارق دائره المعارف عمومی حقوق**، جلد ۱، تهران: انتشارات گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۵۷)، **دائره المعارف حقوق مدنی و تجارت**، تهران: بنیاد راستاد.
- رأفتی، محمد ابراهیم، برای چناری، یوسف، (۱۳۹۰)، «عقد ودیعه: ماهیت و ویژگی‌ها»، **تعالی حقوق**، سال چهارم، شماره ۱۵، بهمن و اسفند.
- رضایی، رسول، (۱۳۸۴)، **مقایسه قانون مدنی ایران و فرانسه در باب ودیعه**، پایگاه:  
<http://rasulrezaie.blogfa.com>
- ره پیک، حسن (۱۳۸۷الف)، **حقوق مدنی عقود معین ۲**، تهران: انتشارات خرسندی.
- ره پیک، حسن (۱۳۸۷ب)، **حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها**، تهران: انتشارات خرسندی.
- سعادت مصطفوی، سید مصطفی، تاتاری، محمد مهدی (۱۳۹۲)، «تحلیل عقد حفاظت در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه»، **پژوهشنامه حقوق اسلامی**، سال چهاردهم، شماره اول، پیاپی ۷۳، بهار و تابستان.

- شعبانی، مهدی، فخعلی، محمد تقی (۱۳۹۰)، «تحلیل فقهی وضعیت ید امین در حالت ترک تقصیر»، **مطالعات اسلامی فقه و اصول**، شماره ۱/۸۷.
- صفایی، سید حسین، قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۳۸۴)، **اشخاص و محجورین**، چاپ دهم، تهران: انتشارات سمت.
- صفری، محسن، پاک طینت، حسن (۱۳۸۹)، «مسئولیت قهری و قراردادی: تفاوت‌ها و کارکردها»، **فصلنامه حقوق**، دوره چهل، شماره ۴.
- فصیحی زاده علیرضا (۱۳۷۷)، **اذن و آثار حقوقی آن**، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب.
- فصیحی زاده، علیرضا (۱۳۹۳)، «مقاله نقد نظریه متعهد بودن و کیل به اجرای موضوع و کالت»، **با قافله عدالت (یادنامه دکتر ناصر کاتوزیان)**، تبریز: انتشار ستوده.
- قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۳۸۷)، **الزامها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد**، تهران: میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸)، **عقود معین**، ج ۲، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵)، **عقود معین**، ج ۴، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷ الف)، **دوره مقدماتی حقوق مدنی وقایع حقوقی**، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ سیزدهم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷ ب)، **قانون مدنی در نظم حقوق کنونی**، نشر میزان: چاپ نوزدهم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴)، **الزامهای خارج از قرارداد ضمان قهری**، تهران: دانشگاه تهران.
- کاشانی، محمود (۱۳۸۵)، **عقود ویژه**، تهران: نشر میزان.
- کفایی، محمود (۱۳۱۷) در بیان ودیعه و مطالب متعلقه بعقد ابداع و شروط آن، **مجموعه حقوقی**، شماره ۶۸.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۶۵)، **مقالات حقوقی**، چاپ دوم، جلد ۱، تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- لطفی، اسدالله (۱۳۷۸)، «قاعده استیمان در سقوط ضمان»، **فصلنامه حقوق**، شماره ۴۴.
- لطفی، اسدالله (۱۳۷۹)، **ضمان قهری در فقه و حقوق مدنی**، چاپ اول، تهران: مجتمع علمی فرهنگی مجد.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۰)، **قواعد فقه**، جلد ۱، چاپ سی‌ام، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محمدی، ابو الحسن (۱۳۷۴)، **قواعد فقه**، تهران: نشر یلدا.
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۷۵)، **قاعده اقدام، دیدگاه‌های حقوقی**، شماره ۲، تابستان.
- نکوئی، محمد (۱۳۹۰)، **شرط عدم مسئولیت**، تهران: نشر میزان.
- نیک فر، مهدی (۱۳۷۷)، **قانون مدنی در آرای دیوان عالی کشور**، تهران: انتشارات کیهان.
- وحدت، مهدی (۱۳۱۸)، **ودیعه**، مجموعه حقوقی، شماره ۱۳، دی.
- وحدتی شبیری، سید حسن (۱۳۸۸)، «بنای مسئولیت مدنی یا ضمان ناشی از تخلف از اجرای تعهد»، **مطالعات اسلامی**، شماره ۸۲.
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۷۹)، **حقوق مدنی قلمرو مسئولیت مدنی**، تهران: ادبستان.



## عربی

- امام خمینی، روح الله، (۱۴۱۵ق)، **کتاب البیع**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا)، **هدایه الأئمه الى احکام الأئمه**، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه.
- حسینی مراغی، میرفتاح بن علی (۱۴۱۸ق)، **العناوین**، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- سنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۶۴م)، **الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید**، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۳۸۶ق)، **اللمعه دمشقیه**، تهران: مجمع علمی فرهنگي مجلد.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۲۴ق)، **الروضه البهیة فی شرح اللمعه**، قم: مجمع الفكر الاسلامی.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۲۵ق)، **مسالك الافهام**، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۷ق)، **المبسوط**، تهران: مکتبه المرتضویه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، **کافی**، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- طباطبایی، علی (۱۴۱۸ق)، **ریاض المسائل**، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق)، **قواعد الاحکام**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۶ق)، **القواعد الفقهیه**، قم: انتشارات مهر.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۳۱)، **کشف اللثام عن قواعد الأحكام**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، **شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام**، قم: موسسه اسماعیلیان.
- محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق)، **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، قم: آل البيت لإحياء التراث.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۱۲ق)، **مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان**، قم: موسسه نشر اسلامی.
- موسوی بجنوردی، حسن (۱۴۱۹ق)، **قواعد الفقه**، جلد ۲، قم: نشر الهادی.
- میرزای قمی، ابو القاسم (۱۴۱۳ق)، **جامع الشتات فی أجوبه السؤالات**، تهران: مؤسسه کیهان.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- النقیب، عاطف (۱۹۸۴م)، **النظریه العامه للمسئولیه الناشیه عن الفعل الشخصی**، الجزائر: دیوان المطبوعات الجامعیه.
- یزدی، محمد کاظم (۱۴۱۸ق)، **حاشیه مکاسب**، ج ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- یزدی، محمد کاظم (۱۳۷۶ق)، **سؤال و جواب**، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

## انگلیسی و فرانسه

- Bell, John, Simon Whittaker, (1998), Principles of Fernch Law, Oxford University press.

- J. Moitry, F.X. Testu, (1998), Responsabilie du fait des Produits Defectueux: Commentaire de la loi I 98-389 DU 19, at: [www.testuavocats](http://www.testuavocats).
- Mazeaud, Henri, Léon et Jean, (1995), Leçons de Droit Civil, Paris: montchrestien.
- Prosser, William, (1964), The Law of Tort, USA: West publishing co.
- Mazeaud, Henri, Jean et Léon, Michel de juglart, (1980), principaux contrats, Paris: montchrestien.
- Ripert, Georges; et Roblot, (1976), Traité élémentaire de Droit Commercial, Paris: Librairie Generals de droit et de jurisprudence.
- Viney, Geneviève, (2009), Introduction à la responsabilité, 3e édition, L.G.D.J..
- Starck, Boris, (1972), Droit civil. Obligations. 1é. éd. Paris: Librairies techniques.
- Terré, François, Philippe Simler, Yves Lequette, (2002), Les Obligations, Dalloz.